



شخصیت علمی جابر بن عبدالله انصاری

حجة الاسلام محمد فرمیہنی فراہانی

علمی - پژوهشی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال نوزدهم، شماره ۷۶ «ویژہ پژوهش های حدیثی»، پاییز ۱۴۰۱، ص ۳۲-۴۸

شخصیت علمی جابر بن عبدالله انصاری

حجة الاسلام محمد فرمیہنی فراہانی^۱

چکیده

جابر بن عبدالله انصاری از صحابیان جلیل القدر رسول خدا ﷺ، به دلیل داشتن محبت اهل بیت ﷺ جایگاه خاصی نزد آنان داشت. وی در دوره ای که برخی از اصحاب و جاعلان به خود اجازه می دادند بر رسول خدا ﷺ دروغ ببندند، از این کار امتناع کرده و به مخالفت با آنها نیز می پرداخته است. لذا مورد اعتماد اهل بیت ﷺ بوده و از وی حدیث نقل می کردند. وی در عرصه های مختلف فقهی، روایی، تاریخی و تفسیری و حتی نقل روایات اعتقادی مورد اعتماد و رجوع راویان و محدثان بوده است که نشان از جایگاه علمی وی نزد مسلمین دارد. صحیفه جابر از نوشته های او است که مورد استفاده بسیار راویان بعد از ایشان قرار گرفته است.

کلیدواژه: جابر بن عبدالله انصاری؛ شخصیت علمی جابر؛ فقه؛ حدیث؛ تفسیر؛ تاریخ.

۱. دانشجوی دوره دکتری تاریخ و تمدن و فرهنگ اسلامی.



مقدمه

جابر بن عبدالله انصاری (۱۶ قبل از هجرت - ۷۹ق) از اصحاب عالم رسول خدا ﷺ است که در علوم مختلف اسلامی عصر خویش دارای تبحر و نقش آفرینی بوده است. لذا بررسی شخصیت علمی ایشان و آثاری که از وی باقی مانده، حائز اهمیت و جایگاه خاص است.

در معرفی جایگاه علمی ایشان و گردآوری اخبار نقل شده از وی، کتب مختلفی تالیف شده است، به عنوان نمونه می توان به قسمتی از کتاب مسند احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق)، به عنوان مسند جابر بن عبدالله انصاری (مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۲۹۲-۴۰۰) اشاره کرد. نسخه خطی مسند جابر بن عبدالله، به روایت ابوعبدالرحمان عبدالله بن احمد بن محمد بن حنبل (م ۲۹۰ق)، در خزانه الرباط (در مغرب) موجود است (الاعلام، ج ۲، ص ۱۰۴). ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ق) نیز دو جلد از کتاب جامع المسانید را به وی اختصاص داده است (رک: جامع المسانید، ج ۲۳ و ۲۴). کتاب جابر بن عبدالله انصاری و فقهه، تالیف دکتر موسی بن علی بن محمد الامیر گزارش کاملی از نظرات فقهی جابر است (بیروت، ۱۴۲۱ق)؛ کتاب جابر بن عبدالله الانصاری حیات و مسنده، تالیف حسین واثقی نیز روایات منابع امامی ایشان در ابواب مختلف را گرد آورده است (قم، ۱۳۸۹ ش)؛ کتاب جابر بن عبدالله صحابی امام و حافظ فقیه، تالیف وهبی سلیمان غاوجی (م ۱۴۳۴ق) به معرفی شخصیت جابرو جنبه های علمی وی به خصوص جایگاه او در حدیث و فقه پرداخته است (دمشق، ۱۹۸۸م). اینها برخی از پژوهش های جدید در مورد این صحابی هستند.

محمدرضا هدایت پناه نیز با نگارش دو مقاله به جایگاه جابر در نقل اخبار سیره رسول خدا ﷺ پرداخته است (رک: سیره نگاری جابر بن عبدالله انصاری؛ شفاهی یا مکتوب؟ مجله تاریخ اسلام، دوره ۲۱، تابستان ۹۹؛ شیعه پیشگام در سیره نگاری، جایگاه جابر بن عبدالله انصاری در سیره نگاری، مطالعات تاریخ اسلام، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۱۹).

رسول خدا ﷺ به وی پیشنهاد هدیه یازده بزماده یا آموختن دعا را می دهد و جابر با اینکه



احتیاج مبرم به بزها داشته، آموختن دعا را می پذیرد. این قضیه نشان از علاقه وی به علم آموزی و معارف دین دارد (تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۱، ص ۲۳۱). وی برای آموختن حدیثی از عبدالله بن انیس (م ۵۴ ق) در مورد قصاص که از رسول خدا ﷺ می دانست، شتری خرید و به مصر سفر کرد و یک ماه در راه بود (مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۴۹۵؛ المستدرک، ج ۲، ص ۴۳۷؛ الرحله، ص ۳). این داستان به یک مثل نیز تبدیل شده بود، چنانکه وقتی عمر بن ابی سلمه (م ۸۳ ق) به اوزاعی (م ۱۵۷ ق) اعتراض کرد که چرا به وی در مدت چهار روز فقط سی حدیث آموخته است، با جواب اوزاعی مواجه شد که خیلی زیاد است، چنانکه جابر برای آموختن یک حدیث به مصر سفر کرد (جامع المسانید، ج ۲۴، مقدمه، ص ۲۵). او با مشاهده لوح سبزنزد حضرت فاطمه ﷺ، از حضرت درخواست می کند که متن حدیث را بنویسد (الکافی، ج ۱، ص ۵۲۷-۵۲۸؛ کمال الدین، ص ۳۰۸-۳۱۱؛ عیون اخبار الرضا ﷺ، ج ۱، ص ۴۱-۴۵؛ الغیبه، ص ۶۲-۶۶). شوق جابر در آموختن علم موجب گردید در پایان عمر چندی مجاور خانه خدا شود تا احادیثی بشنود (سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۹۱). همچنین برای وی کتاب و صحیفه نام برده اند (جامع المسانید، ج ۲۴، ص ۹۶؛ ادامه مقاله).

سال نوزدهم، شماره ۱۷، پاییز ۱۳۹۱

شخصیت فقهی

جابر در حوزه احکام فقهی صاحب نظر بوده و فتوا می داده (رک: اعلام الموقعین عن رب العالمین، ج ۱، ص ۱۲؛ ابن قیّم اورا در زمره صحابیانی آورده که تعداد متوسطی فتوا از آنها نقل شده است). از این رو، ذهبی (م ۷۴۸ ق) اورا مجتهد، فقیه و مفتی مدینه خوانده است (سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۸۹). به خصوص پس از درگذشت عبدالله بن عمر (م ۷۳ ق) مرجعی بی رقیب در فقه مدینه بود (سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۹۰).

ذهبی (م ۷۴۸ ق) می نویسد: «جابر بن عبدالله بن عمرو بن حرام، در عصر خود، پیشوا و فقیه و فتوا دهنده مدینه بود، او قبل از هجرت در عقبه منی همراه با هفتاد نفر با رسول خدا ﷺ بیعت کرد و از آن جناب دانش های ارزشمندی آموخت، او کتابی کوچک در حج دارد که در صحیح مسلم آمده است.» (تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۴۳)



جابر از کسانی است که در کنار صحابی مانند ابن عباس (م ۶۸ق)، عبدالله بن عمر (م ۷۳ق) و ابوسعید خدری (م ۷۴ق) جهت پرسیدن مسائل شرعی به وی رجوع می شده است (الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۷۲). البته وی مستقلاً در احکام فقهی فتوی نمی داده است و به نقل روایات رسول خدا ﷺ در ابواب مختلف مبادرت داشتند (ادامه مقاله). برخی از محققان با استناد به اخباری (مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۲۶۷)، معتقدند اصحاب، کلمات یکدیگر را به عنوان سخنان رسول خدا ﷺ نقل می کرده اند (رک: احادیث ام المومنین عائشه، ج ۲، ص ۳۶)؛ نقل روایت به وسیله امامان شیعه علیهم السلام از وی نشان از وثاقت و راستگویی او در نقل دارد (ادامه مقاله).

روایات فقهی نقل شده از جابر در کتب اربعه و دیگر مجامیع حدیثی شیعه به مقدار کمی نقل شده است، اما یک اسناد ارائه شده در «مشيخة» من لایحضره الفقیه، نشان می دهد که نسخه ای در بردارنده مجموعه ای از روایات فقهی جابر در سده های نخستین هجری در میان امامیه دست به دست می شده است. در سند این نسخه نام کسانی چون جابر جعفی (م ۱۳۲ق) و مفضل بن عمر (م بعد از ۱۸۳ق) به عنوان راوی دیده می شود (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۴۵). ولی در آثار فقهی و حدیثی امامی به برخی از فتاوی جابر اشاره شده است، مانند فتاوی وی در مورد احکام شفعه (عوالی اللثالی، ج ۳، ص ۵۲۶)، صلاة (دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۷۷-۱۷۸؛ فقه الرضا علیه السلام، ص ۱۲۴)، شهادت (الامالی شیخ صدوق، ص ۴۴۵)، حلیت متعه (النوادر، ص ۸۸؛ المسائل الصاغانیه، ص ۳۶؛ الانتصار، ص ۲۶۸)، رد تعصیب در ارث (المسائل الصاغانیه، ص ۴۱۴؛ الانتصار، ص ۵۵۳)، صلاة (رساله عدم المضایقة، ص ۲)، حلیت متعه (ادامه مقاله) و حج (الکافی، ج ۴، ص ۳۳۶؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۹۲).

علاوه بر اینکه بخش مهمی از احادیث منقول از جابر در متون حدیثی اهل سنت، دارای ارزش فقهی است، فتاوی جابر نیز به عنوان فقیه و مفتی مدینه مورد توجه گذشتگان قرار داشته و نقل گردیده است. وی را از صحابیانی شمرده اند که از وی فقه اخذ می شده است (طبقات الفقهاء، ص ۳۳). در خبری که از عبدالوارث بن سعید (م ۱۸۰ق) نقل شده،



ابوحنیفه (م ۱۵۰ ق) در اختلاف فقهای عراق در باب فقهی بیع و شرط به قول جابر استناد کرده است (الامالی و المجالس شیخ طوسی، ص ۳۹۰). بسیاری از فتاوی جابر در منابع مختلف اهل سنت نیز ذکر شده است، مانند مذهب مالکی (برای نمونه رک: الموطأ، ج ۱، ص ۳۵ و ۷۷؛ المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۶۸ و ۷۹) و شافعی (الأم، ج ۵، ص ۲۴۰ و ۲۵۴)؛ برخی از کتب فقه تطبیقی مانند، اختلاف العلماء مروزی (مروزی، ص ۸۲ و ۸۷)، اختلاف العلماء طحاوی (طحاوی، ج ۱، ص ۲۱۷ و ۲۵۱)، الاوسط (ابن منذر، ج ۱، ص ۱۷۱ و ۲۲۷) والخلاف (شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۲۱ و ج ۲، ص ۲۴۷)؛ کتب غیر فقهی مانند، السيرة النبوية (ابن هشام، ج ۳، ص ۲۱۵) والمصاحف (ابن ابی داوود، ص ۱۶۵ و ص ۱۷۴) نقل شده است.

جابر در عصر خلفاء به فتاوی مخالف آنان با نص رسیده از رسول خدا ﷺ اعتراض کرده است؛ وی در مسائلی مانند لغو ذکر «حی علی خیر العمل» در اذان (الاذان، ص ۳۰)، منع از بیع ام ولد (الانتصار، ص ۳۸۶) و منع از نکاح متعه (صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۲۳) به اعتراض پرداخته است. برخی از اخبار جابر از رسول خدا ﷺ و امیرالمومنین علیه السلام که در مخالفت خلیفه دوم در باب متعه است و در آنها به نحوه متعه کردن صحابه در عصر رسول خدا ﷺ و نهی از مخالفت آن نقل شده است، در کتابهای متعدد آمده است؛ مانند: (الایضاح، ص ۴۳۵ و ۴۴۱ و ۴۴۶)، النوادر، ص ۸۸، خلاصه الایجاز فی المتعه، ص ۲۶ و ص ۳۰، المسائل الصاغانیه، ص ۳۶، الانتصار، ص ۲۶۸، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۳۳. وی خبری از امیرالمومنین علیه السلام نقل می کند که اگر عمر متعه را حرام نکرده بود، کسی مرتکب زنا نمی شد مگر شقی؛ آنگاه براساس آن به این حکم عمر اعتراض می کرد (تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۳۳). بنا بر نقل منابع عامه، جابر فتاوی برخی از صحابه مانند ابوبکر (الموطأ، ج ۱، ص ۲۷؛ الاوسط، ج ۱، ص ۲۲۱) و عمر (الأم، ج ۱، ص ۱۶ و ج ۷، ص ۲۵۲) را نیز نقل کرده است.

نقل روایات

جابر از صحابه ای است که احادیث فراوانی از رسول خدا ﷺ نقل کرده است؛ از این

سال نوزدهم، شماره ۱۷، پاییز ۱۳۹۱

رو، اورا «حافظ سنت نبوی و مُکثّر در حدیث» خوانده‌اند (الطبقات الکبری، ج ۲، قسم ۲، ص ۱۲۷؛ الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۱، ص ۲۲۰). او در زمینه حدیث، فردی خبره و دقیق بود و در نقل اخبار و روایات، از رقابت‌ها و تعصبات قبیله‌ای پرهیز می‌کرد (رک: اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۱، ص ۳۷۸). احادیث مسند جابر که از طریق منابع روایی اهل سنت نقل شده است، به ۵۴۰ حدیث می‌رسد که بخاری (م ۲۵۶ ق) و مسلم (م ۲۶۱ ق) در نقل ۵۸ حدیث آن اتفاق دارند (سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۹۴). همان گونه که گذشت، احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ق) و ابن کثیر (م ۷۷۴ ق) روایات جابر را جمع‌آوری کرده‌اند.

نقل روایات امامیه

همچنین باید به شماری از احادیث اشاره کرد که در منابع شیعی، به نقل جابر از امامان شیعه نقش بسته است (التمحیص، ص ۴۲ و ۶۶؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲۶). در آثار شیعه، به خصوص احادیث جابر در فضایل امیرالمومنین و اهل بیت علیهم‌السلام مورد توجه قرار داشته است.

برای نمونه نام جابر در سلسله راویان برخی از احادیث مشهور شیعی آمده است، از جمله در نقل حدیث غدیر (الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب، ج ۱، ص ۵۷-۶۰)، حدیث ثقلین (بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم‌السلام، ص ۴۱۴)، حدیث مدینه العلم (الامالی و المجالس شیخ طوسی، ص ۴۸۳؛ مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام، ج ۲، ص ۳۴)، حدیث منزلت (معانی الاخبار، ص ۷۴؛ الامالی و المجالس شیخ طوسی، ص ۵۹۸؛ کشف الغمة، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۵۲، المناقب، ص ۶۰)، حدیث ردّ الشمس (الارشاد، ج ۱، ص ۳۴۵-۳۴۶) و حدیث سدّ الابواب (مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام، ج ۲، ص ۱۸۹-۱۹۰).

وی در روایتی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، خیر البریه را امیرالمومنین علیه‌السلام معرفی می‌نماید (الامالی و المجالس، ص ۲۵۱-۲۵۲؛ مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام، ج ۳، ص ۶۹؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۱۳). همچنین از ایشان روایتی را نقل می‌کرد که به انصار توصیه می‌کردند با محبت امیرالمومنین علیه‌السلام، حلال زادگی فرزندان‌شان را بیازمایند (الارشاد، ج ۱، ص ۴۵).



امام باقر علیه السلام، راوی حدیث جابر بوده که در آن، رسول خدا صلی الله علیه و آله امامان پس از خود را نام برده است (کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۸-۲۵۹؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۱، ص ۲۸۲). و نیز ویژگی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را شناسانده است (کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۳، ۲۸۶، ۲۸۸). حدیث لوح از جمله احادیث مشهوری است که جابر آن را روایت کرده و نام های ائمه اثنا عشر جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن آمده است (الکافی، ج ۱، ص ۵۲۷-۵۲۸؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۸-۳۱۳).

شخصیت جابر در منابع رجالی امامیه محترم و مورد تأیید شمرده شده است. در برخی منابع رجالی آمده است که جابر، به دلیل شهرت روایاتی که در مدح او رسیده، نیازی به توثیق ندارد (منتهی المقال فی احوال الرجال، ج ۲، ص ۲۱۲؛ معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۱۲، ۱۵). امام صادق و امام کاظم به نقل از امام باقر علیه السلام، چند حدیث نبوی را از جابر نقل کرده اند (برای نمونه رک: الاشعثیات (الجعفریات)، ص ۲۲، ۴۴، ۴۷؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۳۲، ج ۲، ص ۳۷۳، ج ۳، ص ۲۳۳-۲۳۴، ج ۵، ص ۵۲۸-۵۲۹، ج ۸، ص ۱۴۴، ۱۶۸، ۱۶۹؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۷، ج ۲، ص ۷۴). وی از اصحاب ائمه، از امیرالمومنین تا امام باقر علیه السلام، دانسته شده است (کتاب الرجال، ص ۳، ۷-۹؛ رجال الطوسی، ص ۵۹، ۹۳، ۹۹، ۱۱۱، ۱۲۹).

نقل حدیث از صحابه

جابر افزون بر روایت هایی که به طور مستقیم از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده، از طریق صحابه و گاهی تابعین نیز از ایشان روایت کرده است. امیرالمؤمنین علیه السلام، طلحة بن عبیدالله (م ۳۶ ق)، عمار یاسر (م ۳۷ ق)، معاذ بن جبل (م ۱۸ ق)، و ابوسعید خدری (م ۷۴ ق) (رک: تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۱، ص ۲۰۸-۲۰۹؛ تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ج ۴، ص ۴۴۴)، نیز: ابو عبیده جراح (م ۱۸ ق)، خالد بن ولید (م ۲۱ ق)، ابی بردة بن نیار انصاری (م ۴۱ ق)، ابوقتاده (م ۵۴ ق) و حتی ابوهریره (م ۵۸ ق)، ابوبکر (م ۱۳ ق) و عمر (م ۲۳ ق) (تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۴۴) از جمله صحابه ای هستند که جابر از آنها روایت کرده است.



وی از صحابیاتی مانند، ام شریک از همسران رسول خدا ﷺ، ام مالک و ام کلثوم دختر ابوبکر، نیز روایت نقل کرده است (تبیان، ج ۸، ص ۳۵۲).

شاگردان جابر

وی در مسجد رسول خدا ﷺ جلسه تدریس داشته (تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۱، ص ۲۳۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۴۲-۴۳) و شماری از تابعین مانند، سعید بن مسیب (م ۹۴ق)، حسن بن محمد بن حنفیه (م ۹۵ یا ۹۹ق)، عطاء بن ابی رباح (م ۱۱۵ق)، مجاهد بن جبر (م ۱۰۴ق)، عمرو بن دینار مکی (م ۱۲۶ق)، عامر بن شراحیل شعبی (م ۱۰۴ق)، حسن بصری (م ۱۱۰ق) (برای آگاهی از فهرست کامل راویان حدیث از جابر رجوع کنید به: تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ج ۴، ص ۴۴۴-۴۴۸؛ جابر بن عبدالله انصاری، ص ۱۰۸-۱۱۸)، نیز: اسد بن سعید (الامالی شیخ مفید، ص ۶۹)، ابو حمزه ثمالی (م ۱۵۰ق) (الکافی، ج ۵، ص ۳۲۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۰۰)، جابر بن یزید جعفی (م ۱۲۸ق) (معانی الاخبار، ص ۵۵؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۲؛ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۶۴)، سلیمان بن قیس یشکری بصری (م قبل از ۸۰ق) (جامع المسانید، ج ۲۴، ص ۷۲)، سلیمان بن مهران الاعمش (م ۱۴۸ق) (جامع المسانید، ج ۲۴، ص ۱۰۰)، عکرمه مولى ابن عباس (م ۱۰۷ق) (جامع المسانید، ج ۲۴، ص ۳۴۷)، زید بن علی بن الحسین علیهما السلام (م ۷۶ق) (بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۶۰)، موسی بن عقبه (م ۱۴۱ق) (جامع المسانید، ج ۲۵، ص ۴۴۳)، واثله بن اسقع (م ۸۵ق) (بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۴)، عطیه عوفی (م ۱۱۱ق) (بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲ و ۹ و...)، عبدالرحمن بن جابر بن عبدالله انصاری (جامع المسانید، ج ۲۴، ص ۲۳۸)، عبدالملک بن مروان (م ۸۶ق) (الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۳۴)، حدیث اورامی نوشتند (تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۱، ص ۲۳۳؛ تقييد العلم، ص ۱۰۴؛ الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۱، ص ۴۳۵) و از وی روایت کرده اند. برخی در شمارشی تعداد راویان از جابر را ۱۶۶ نفر ذکر کرده اند (رک: جابر بن عبدالله انصاری، حیات و مسنده، ص ۱۱۷-۱۲۵).

۱. امام سجاد علیه السلام ذیل آیه ۵۰ احزاب می فرماید: مقصود از زنی مؤمن که خود را به پیامبر ﷺ بخشید، ام شریک است. (رک: طوسی، تبیان، ج ۸، ص ۳۵۲)

تفسیر قرآن

جابر را از بزرگان تفسیر نامده اند (اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۴۶). در تفسیر قرآن کریم، از جابر روایات بسیاری نقل شده است (برای نمونه رک: تفسیر القرآن صنعانی، ج ۱، ص ۸۹، ۱۲۹، ۱۳۱، ج ۲، ص ۲۱۱، ۲۳۱-۲۳۲؛ الجامع لاحکام القرآن، ج ۲، ص ۱۱۲، ۳۰۲، ج ۴، ص ۱۵۵، ۱۶۶). آرای تفسیری جابر درباره برخی آیات قرآن، همسوبا دیدگاه تفسیری شیعه است (رک: مجمع البیان، ذیل احزاب / ۳۳؛ نساء / ۲۴). روایتی که امام صادق علیه السلام از پدر گرامیشان و از جابر بن عبدالله انصاری نقل می کنند، رسول خدا صلی الله علیه و آله به جابر فرمودند که هنگام قرائت سوره حمد در نماز بسم الله الرحمن الرحیم را بخواند (دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۱). در ذیل آیه «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» (توبه / ۱۰) نخستین مسلمانان را امیرالمومنین و خدیجه بنت خویلد سلام الله علیهما دانسته است (مجمع البیان، ج ۵، ص ۶۵). در آیه «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» (هود / ۱۷) شاهد را امیرالمومنین علیه السلام دانسته که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله شهادت می دهد (مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۵۰). این تفسیر را امام باقر و امام رضا علیهما السلام فرموده اند. طبرسی (م ۵۴۶ ق) با اسناد خود از جابرووی از امیرالمومنین علیه السلام نقل کرده اند (مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۵۰). وی در ذیل آیه «وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (نمل / ۹۰) حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که امت اسلام اگر بغض علی بن ابی طالب علیه السلام را داشته باشند با صورت به جهنم خواهند افتاد (مجمع البیان، ج ۷، ص ۴۱۰؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۴۹-۵۵۰). جابر مصداق آیه تطهیر (احزاب / ۳۳) را پنج تن آل عبا علیهم السلام بیان نموده است (مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۵۷؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۹). در ذیل آیه «وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ» (محمد / ۳۰) روایت کرده که منافقین را در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله به وسیله بغض آنان نسبت به علی بن ابی طالب علیه السلام می شناختیم (مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۰۶؛ فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۶۳۹؛ جامع المسانید، ج ۲۴، ص ۲۳۲).

صحیفه جابر

روش جابر بر نوشتن احادیث بوده است، بنابراین دارای نوشته هایی قابل توجه بوده

است که بردیگران قرائت شده و آنان نسخه برداری کرده‌اند.

مهم‌ترین اثری که در منابع از او یاد شده، صحیفه جابر است. این صحیفه را، که نمونه‌ای از کهن‌ترین صورت‌های تدوین حدیث است، سلیمان بن قیس یشکری (م قبل از ۸۰ق) گردآورده، اما به سبب درگذشت زود هنگام سلیمان، راویان دیگر بدون قرائت و شنیدن از متن صحیفه نقل کرده‌اند (الکفایة فی علم الروایة، ص ۳۹۲). نسخه‌ای از این صحیفه در مجموعه شهید علی پاشا در کتابخانه سلیمانیه استانبول موجود است (استدراکات علی تاریخ التراث العربی، فؤاد سرگین، قسمت علم الحدیث، ص ۳۲).

ربیع بن سعید (سعد خزاز جعفی کوفی) از اصحاب امام صادق علیه السلام در این باره می‌گوید: خود دیدم جابر نزد عبدالرحمن بن [عبدالله بن] سابط (م ۱۱۸ق) برالواری می‌نوشت (المصنف، ج ۶، ص ۲۲۸؛ تاریخ ابن معین، ج ۱، ص ۳۷۳؛ تقیید العلم، ص ۱۰۹؛ جامع بیان العلم و فضله، ج ۱، ص ۷۲ و ۸۶).

همچنین، عبدالرزاق صنعانی (م ۲۱۱ق) از معمر، خبر از صحیفه جابر می‌دهد که نزد محدث مشهور، قتاده بن دعامة (م ۱۱۷ق) بوده و از آن مطلب نقل می‌کرده است (تهذیب الکمال، ج ۲۳، ص ۵۰۸). و آن را از سلیمان بن قیس یشکری (م قبل از ۸۰ق) اخذ نموده است (تهذیب الکمال، ج ۲۳، ص ۵۰۸؛ رک: معرفة علوم الحدیث، ص ۱۰۴). یا اینکه صحیفه جابر را نزد قتاده (م ۱۱۷ق) و حسن بصری (م ۱۱۰ق) بردند و بر آن دو روایت کردند یا آن را اخذ کردند (سنن الترمذی، ج ۲، ص ۳۸۸؛ معرفة العلوم، ص ۱۱۰). همچنین می‌گویند که صحیفه جابر به روایت از سلیمان یشکری بر قتاده قرائت شده بود (مسند ابی الجعد، ص ۱۵۹). وی نیز این کتاب را بر سعید بن مسیب (م ۹۴ق) (صحائف الصحابة، ص ۱۳۹) و سفیان بن عیینة (م ۱۹۸ق) (تهذیب الکمال، ج ۲۳، ص ۵۰۸) عرضه کرد.

به هر حال، عرضه صحیفه جابر بر دیگران، به خوبی از انتشار صحیفه جابر نزد محدثان در دوره تابعان و پس از آن حکایت دارد. احمد بن عبدالرحمن الصویان، ده تن از این افراد را نام می‌برد که افزون بر افرادی که نام برده شدند، عبارت‌اند از: ابوسفیان طلحه بن نافع اسکاف الواسطی، شعبی عامر بن شراحیل همدانی (م ۱۰۳ یا ۱۰۴ق)، ابوبشر، مطرف بن

عبدالله شخیر (م ۸۶ ق)، ثابت بن دینار ابو حمزه ثمالی (م ۱۵۰ ق)، مجاهد بن جبر (م ۱۰۴ ق) (ابن سعد می نویسد: كانوا يرون أن مجاهدا يحدث عن صحيفة جابر. الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۲۰) و معمر بن راشد (م ۱۵۳ ق) (صحائف الصحابة، ص ۱۳۸-۱۵۷).
برخی از این افراد در روایات غزوات از جابر در اسناد قرار دارند. این امر نشان می دهد که این صحیفه می توانست مطالب سیره نبوی و یا بخشی از آن باشد. از جمله دلایل این موضوع می توان به سندی از جابر اشاره کرد که سید ابن طاووس (م ۶۶۴ ق)؛ برای حوادث آخر عمر رسول خدا ﷺ و ماجرای کتاب و دوات برای نوشتن وصیت، از جابر نقل می کند و می نویسد: «عن رسالة جابر بن عبدالله الأنصاري في المتفق عليه من صحيح مسلم...» (اليقين، ص ۵۲۱؛ رک: صحيح مسلم، ج ۱۱، ص ۸۹، باب كتاب الوصية، باب الوقف)
عنوان «عن رسالة جابر بن عبدالله الأنصاري»، به خوبی نشان از دفتر حدیثی جابر دارد و از ظاهر عبارت آشکار است که این رساله نزد مسلم بوده است و او از آن در کتاب صحیح، در بخش مسند جابر استفاده کرده است.

اقوال تاریخی جابر

جابر به مرجعی مهم برای سیره نبوی و تاریخ صدر اسلام نیز مبدل شد. روایات پر شمار تاریخی به نقل از وی نقل شده است، مانند: المغازی (واقعی، ج ۱، ص ۸۷ و ۲۶۶)، السيرة النبوية (ابن هشام، ج ۳، ص ۲۱۵-۲۱۶ و ۲۲۸)، الطبقات الكبرى (ابن سعد، ج ۲، ص ۴۹ و ۶۱)، التاريخ (یحیی بن معین، ج ۲، ص ۷۴-۷۵)، تاریخ الامم والملوک (طبری، ج ۱، ص ۲۳۱ و ج ۲، ص ۳۰۶). بعلاوه از سوی برخی تابعان مشهور مانند عروة بن زبیر (م ۹۴ ق) (الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۱۷۹)، ابوسلمة بن عبد الرحمن (م ۹۴ ق) (تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۳۰۴)، سعید بن مسیب (م ۹۴ ق) و قتادة بن دعامة (م ۱۱۸ ق) (المعارف، ص ۱۶۲) به عنوان مرجعی در حل مسائل تاریخی شناخته می شد. امام حسین علیه السلام در روز عاشورا پس از بیان جایگاه خود نسبت به رسول خدا ﷺ از آنان خواست چنانچه به سخنان او اطمینان ندارند، از اصحابی چون جابر بن عبدالله انصاری پرسند (الارشاد، ج ۲، ص ۹۷).
ابن عقیل عبدالله بن محمد (م بعد از ۱۴۰ ق) در این باره می گوید: به همراه امام

سال نوزدهم، شماره ۱۷۲، پاییز ۱۳۹۱



باقر عليه السلام نزد جابر می رفتیم و از اخبار رسول خدا صلی الله علیه و آله جويا می شدیم و هرچه می شنیدیم می نوشتیم (معجم الصحابه، ج ۱، ص ۴۴۴-۴۴۵).

در میان راویان و شاگردان جابر که سیره نبوی را از وی دریافت و گزارش می کردند، شمار قابل توجهی از صحابه، فرزندان و نوادگان آنان بودند که گویای آگاهی فراوان جابر از حوادث و اخبار سیره است؛ به گونه ای که وی مرجع و استادی برای صحابه و فرزندان و نوادگان آنان شده بود که خود و یا پدران ایشان در رویدادهای دوران رسالت بوده اند.

برخی از راویان او، از سیره گویان و سیره نویسان مشهور هستند که می توان شرحبیل بن سعد مدنی (م ۱۲۳ق)؛ عاصم بن عمر بن قتاده (م ۱۲۰ق) و شعبی ابو عمر عامر بن شراحیل کوفی (م ۱۰۳ یا ۱۰۴ق) را در این میان نام برد (در ادامه اشاره می شود).

مقایسه گزارش های جابر با صحابه و در مرحله بعد تابعین، به خوبی پیشگامی جابر و ممتاز بودن او را به عنوان يك متخصص سیره نبوی نشان می دهد. برخی معتقدند این تخصص، ناشی از سه امر است: ۱. صحابی و مدنی بودن جابر، ۲. وقوع حوادث ده سال عصر رسالت در مدینه و اطراف آن و حضور فعال جابر در حوادث، ۳. دشمنی و تلاش مغرضانه حاکمان اموی و علمای همسوبا آنان چون عروه، با بنی هاشم و انصار در عرصه سیره نبوی و مقابله انصار با این سیاست. بنابراین در دو بخش سیره گویی و سیره نویسی، از نظر قدمت و اعتبار، کسی به رتبه جابر نمی رسد حتی عایشه. بخش نخست یعنی سیره گویی از روایات او به خوبی آشکار است و بخش دوم نیز روایات متعدد، حاکمی و گویای داشتن نوشته هایی در سیره برای جابر است (رک: شیعه پیشگام در سیره نگاری، جایگاه جابر بن عبدالله انصاری در سیره نگاری، مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۱۹).

وی همچون محدثی آشنا به قواعد، راستگویی و امانت داری بدون حب و بغض را در نقل اخبار سیره رعایت کرده و شواهد متعدد و اعتماد سیره نویسان بعدی به تمام روایات جابر، گویای این مطلب است. ابن اثیر ذیل حدیث «اهتز عرش الرحمن لموت سعد بن معاذ»، و ادعای برخی از خزرچی ها مبنی بر تحریف این حدیث از اصل آن یعنی «اهتر السریر...»، گوید: «جابر، آن را ناشی از دشمنی این دو گروه دانسته است و با اینکه خود



خزرجی است، اما نظر اوسى ها را تأیید کرده است» (اسد الغابه، ج ۱، ص ۴۹۳). البته جابر در باب اخلاق نیز روایاتی از رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم السلام نقل کرده که مورد توجه منابع شیعه و سنی قرار گرفته است. مانند روایاتی از رسول خدا ﷺ در توصیف نزدیکترین افراد به ایشان در قیامت (الغایات، ص ۲۰۳؛ الامالی شیخ مفید، ص ۶۶-۶۷)، از امیرالمومنین علی علیه السلام در شمارش قوام دین و دنیا (نهج البلاغة، ص ۵۴۱)، از امام حسن مجتبی علیهما السلام در شمارش مکارم اخلاق (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲۶) و... ایشان در باب دعا و عبادات نیز روایاتی از رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم السلام نقل کرده اند (رک: عده الداعی، ص ۴۷ و ۳۱؛ شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۹۶-۱۹۷؛ مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۳۸ و...). که نشان از جامعیت وی در کنار علوم ذکر شده دارد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغة

- ابن ابی داوود، عبدالله، المصاحف، قاهره، ۱۳۵۵ق / ۱۹۳۶م.
- ابن ابی شیبہ، المصنف، تحقیق حمام سعید محمد، دارالفکر، بیروت، لبنان، ۱۴۲۹ق.
- ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفة الصحابه، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن اشعث کوفی، الاشعثیات (الجعفریات)، چاپ سنگی، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا.
- ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، بیروت، چاپ حسین اعلمی، ۱۴۰۴ق / ۱۹۸۴م.
- ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ش، ششم.
- ابن بابویه، معانی الاخبار، چاپ علی اکبر غفاری، قم، ۱۳۶۱ش.
- ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، ۱۴۰۴ق.
- ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، قم، چاپ علی اکبر غفاری، ۱۳۶۳ش.
- ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی تمییز الصحابه، بیروت، چاپ علی محمد بجاوی، ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۲م.
- ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت، دارصادر، بی تا.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، تحقیق فیضی، آصف، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۳۸۵ق، دوم.
- ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دارصادر.

ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم: چاپ هاشم رسولی محلاتی، بی تا.
ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، تحقیق، بجای، علی محمد، دار الجیل، لبنان، بیروت، اول، ۱۹۹۲ م، ۱۴۱۲ ق.
ابن عبدالبر، جامع بیان العلم وفضله، جامع بیان العلم وفضله، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۳۹۸ ق.
ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، بیروت، چاپ علی شیری، ۱۴۲۱/۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵-۲۰۰۰ م.
ابن قاسم، عبدالرحمان، المدونه الكبرى، قاهره، ۱۳۲۴-۱۳۲۵ ق.
ابن قتیبه، عبدالله، المعارف، به کوشش ثروت عکاشه، قاهره، ۱۹۶۰ م.
ابن قیم جوزیه، اعلام الموقعین عن رب العالمین، بیروت، چاپ طه عبدالرؤف سعد، ۱۹۷۳ م.
ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، جامع المسانید والسنن الهادی لاقوم سنن، مصحح قلعجی، عبدالمعطی امین، ۲۰۰۲ م، دارالفکر؛ دارالکتب العلمیه.
ابن معین، تاریخ ابن معین، تحقیق احمد محمد نور سیف، مکه مکرمه، دارالمأمون للتراث، بی تا.
ابن منذر، محمد، الاوسط، به کوشش صغیر احمد محمد حنیف، ریاض، ۱۴۰۵ ق.
ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، به کوشش مصطفی سقا و دیگران، قاهره، ۱۳۷۵ ق / ۱۹۵۵ م.
ابن همام اسکافی، التمهیص، قم، مدرسه الامام المهدی علیه السلام.
ابوجعفر احمد بن محمد بن عیسی الاشعری القمی، النوادر، مدرسه امام مهدی عج، قم، ایران.
ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی، الأمالی، تحقیق مؤسسه البعثة، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق، اول.
ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی، تهذیب الأحکام، تحقیق خرسان، حسن الموسوی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق، چهارم.
ابومحمد جعفر بن احمد القمی الرازی، الغایات، مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد، ایران.
ابونضر محمد بن مسعود بن عیاشی (عیاشی)، تفسیر العیاشی، المكتبة العلمیه الاسلامیه، تهران، ایران.
ابواسحاق شیرازی، ابراهیم، طبقات الفقهاء، به کوشش خلیل میس، بیروت، دار القلم.
ابوالموید الوفق بن احمد اخطب خوارزم معروف به خوارزمی، مکتبه نینوی الحدیثه، تهران، ایران.
ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی، الغیبه، مکتبه الصدوق، طهران، بی تا، ایران.
ابوجعفر محمد بن حسن الطوسی، التبیان، به کوشش العاملي، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
ابوجعفر محمد بن حسن الطوسی، الخلاف، به کوشش محمد مهدی نجف و دیگران، قم، ۱۴۱۷ ق.
ابوعبدالله الحاکم النیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالمعرفه، بیروت، لبنان.
ابوعبدالله الحاکم النیشابوری، معرفة علوم الحديث و کمیه أجناسه، دار ابن حزم، بیروت، لبنان، اول، ۱۴۲۴ ق.
ابوعبدالله علوی، محمد، الاذان، به کوشش یحیی عبدالکریم فضیل، دمشق، ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م.
احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، تحقیق عباس، وصی الله بن محمد، دار ابن الجوزی، مصر، قاهره، چهارم، ۱۴۳۰ ق.
احمد بن علی خطیب بغدادی، الزحله فی طلب الحديث، بیروت، چاپ نورالدین عتر، ۱۳۹۵ ق / ۱۹۷۵ م.

احمد بن علی خطیب بغدادی، تقييد العلم، بيروت، چاپ يوسف عش، ۱۹۷۴م.
احمد بن علی خطیب بغدادی، كتاب الكفاية في علم الرواية، مطبعة مجلس. دائرة المعارف
العثمانية، اول، هند - حيدرآباد، ۱۳۵۷ ق.
احمد بن فهد حلي، عده الداعي، دارالكتاب الاسلامي، قم، ايران.
احمد بن محمد برقي، كتاب الرجال، تهران، ۱۳۸۳ ق.
احمد بن محمد بن عيسى، النوادر، قم، ۱۴۰۸ ق.
احمد بن يحيى بلاذري، انساب الاشراف، دارالمعارف، مصر.
بغوي، عبدالله بن محمد، معجم الصحابة، تحقيق محمد الامين الجكني، كويت، مكتبة دارالبيان،
بي تا.
ترمذي، محمد بن عيسى، الجامع الصحيح وهو سنن الترمذي، تحقيق احمد محمد شاكر، دار الحديث،
قاهرة، مصر، اول، ۱۴۱۹ ق يا ۱۹۹۹ م.
حسكاني، شواهد التنزيل، مؤسسه اعلمي، بيروت، لبنان.
حسين واثقي، جابر بن عبدالله انصاري حياته و مسنده، بوستان كتاب، دوم، ۱۸۹ ش، قم، ايران.
حميري، عبدالله، قرب الاسناد، به كوشش مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، ۱۴۱۳ ق.
خيرالدين زركلي، الاعلام، بيروت، ۱۹۸۶ ق.
دكتور موسى بن علي بن محمد الامير، جابر بن عبدالله انصاري وفقهه، لبنان، بيروت، ۱۴۲۱ ق، بي تا.
ذهبي، ابو عبدالله شمس الدين محمد، سير اعلام النبلاء، قرن ۸ ق، مؤسسة الرسالة، بيروت، ۱۴۱۳ ق،
التاسعة، شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي.
ذهبي، ابو عبدالله شمس الدين محمد، قرن ۸، تذكرة الحفاظ، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
رضي الدين بن طاووس، رساله عدم المضايقة، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، قم، ايران.
سالم بن ابي جعد، مسند ابي الجعد، بي جا، بي نا، بي تا.
سيد ابن طاووس، علي بن موسى، اليقين، تحقيق انصاري، قم، مؤسسه دارالكتاب، ۱۴۱۳ ق.
سيد ابوالقاسم خويي، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة، م ۱۴۱۳ ق، بي جا، بي نا، ۱۴۱۳ ق.
سيد محسن امين، اعيان الشيعة، دار التعارف للمطبوعات، تحقيق سيد حسن امين، بيروت - لبنان،
اول، ۱۴۰۳ ق.
سيد مرتضى، علي، الانتصار، قم، ۱۴۱۵ ق.
سيد مرتضى عسكري، احاديث ام المومنين عائشه، مجمع علمي اسلامي، اول، ۱۴۱۸ ق، تهران، ايران.
شافعي، محمد، الام، بيروت، دارالمعرفة.
شعيري، جامع الاخبار، منشورات الرضي، قم، ايران.
شيخ مفيد، محمد بن محمد النعمان، الامالي، المؤتمر العالمي لالفية لشيخ مفيد، ۱۴۱۳ ق، قم، ايران.
شيخ مفيد، محمد بن محمد النعمان، السمائيل الصاغانية، المؤتمر العالمي لالفية لشيخ مفيد، ۱۴۱۳ ق، قم، ايران.

- شیخ مفید، محمد بن محمد النعمان، خلاصة الايجاز، المؤتمر العالمي لالفیه لشیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، قم، ایران.
- الصویان، احمد بن عبدالرحمن، صحائف الصحابه، به کوشش سعدی الهاشمی مسفرالدینی، بی جا، بی نا، ۱۴۱۰ ق.
- طبرسی ابوالنصر فضل بن حسن، مکارم الخلاق، جامعه مدرسين، قم، ایران.
- طبرسی، مجمع البیان، تصحیح علامه شعرانی، مکتبه اسلامیت، تهران، ایران.
- طحاوی، احمد، اختلاف العلماء، متن مختصر، به کوشش عبدالله نذیر احمد، بیروت، ۱۴۱۷ ق.
- عبدالحسین امینی، الغدیر فی الکتاب والسنة والادب، قم، ۱۴۱۶-۱۴۲۲ ق / ۱۹۹۵-۲۰۰۲ م.
- عبدالرزاق بن همام صنعانی، تفسیر القرآن، ریاض: چاپ مصطفی مسلم محمد، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۸۹ م.
- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، بنی هاشمی، تبریز، ایران.
- فضل بن شاذان نیشابوری، الايضاح، م ۲۶۰ ق، موسسه چاپ و نشر، دانشگاه تهران، ایران.
- فقه الرضا علیه السلام، مشهد، ۱۴۰۶ ق.
- الکافی، ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، دارالتعارف، بیروت، لبنان.
- مالک بن انس، موطأ، م ۱۷۹ ق، تحقیق عبداللطیف، عبد الوهاب، جمهورية مصر العربية، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلى للشئون الاسلامية، مصر- قاهره، اول، ۱۹۹۴ م، ۱۴۱۴ ق.
- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار، م ۱۱۱۱ ق، موسسه الوفاء، بیروت.
- محمد بن اسماعیل مازندرانی حائری، معروف به ابوعلی حائری، منتهی المقال فی أحوال الرجال، م ۱۲۱۶ ق، مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، اول، قم، ایران، ۱۴۱۶ ق.
- محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم والملوک، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
- محمد بن علی بن ابراهیم الاحسانی معروف به ابن ابی الجمهور، عوالی اللالی، مطبعة سيد الشهداء علیه السلام، قم، ایران.
- محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ناصر خسرو، تهران، ایران، ۱۳۶۳، اول.
- محمد بن حسن صفار قمی، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیه السلام، قم، چاپ محسن کوچه باغی تبریزی، ۱۴۰۴ ق.
- مروزی، محمد، اختلاف العلماء، به کوشش صبحی سامرای، بیروت، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.
- مسلم بن حجاج، صحیح، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره، ۱۹۵۵ م.
- مفید، محمد بن محمد نعمان، الارشاد، قم، ۱۴۱۳ ق.
- نجم عبدالرحمان خلف، استدراکات علی تاریخ التراث العربی لفؤاد سزگین فی علم الحديث، بیروت: ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۰ م.
- واقدی، محمد، المغازی، به کوشش مارسدن جونز، لندن، ۱۹۶۶ م.
- وهبی سلیمان غاوجی، جابرین عبد الله صحابی امام وحافظ فقیه، دار القلم، دمشق، ۱۹۸۸ م.
- وهبی سلیمان غاوجی، جابرین عبد الله صحابی امام وحافظ فقیه، دار القلم، دمشق، ۱۹۸۸ م.
- یحیی بن معین، التاريخ، روایت دوری، به کوشش احمد محمود نور سیف، مکه، ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م.



یعقوبی، احمد، التاریخ، بیروت، ۱۳۹۷ق / ۱۹۶۰م.
یعقوبی، تاریخ، دارصادر، اول، بیروت، لبنان.
یوسف بن عبدالرحمان مزّی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، بیروت، چاپ بشار عواد معروف،
۱۴۲۲ق / ۲۰۰۲م.

مقالات

محمد رضا هدایت پناه، سیره نگاری جابرین عبدالله انصاری؛ شفاهی یا مکتوب؟، مجله تاریخ اسلام،
دوره ۲۱، تابستان ۹۹؛
محمد رضا هدایت پناه، شیعه پیشگام در سیره نگاری جایگاه جابر بن عبدالله انصاری در سیره نگاری،
مطالعات تاریخ اسلام، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۱۹.